مجلهٔ فکاهی

۳۱
سال سوم
شماره هفتم

ملانصرالدین



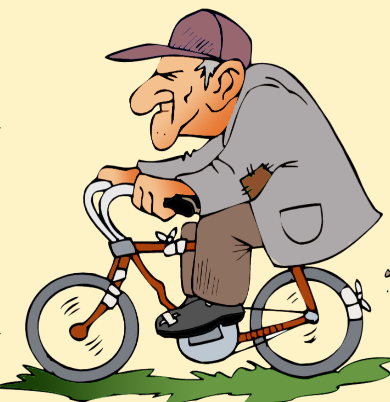


مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخست و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.

سر و ته مقاله



برای اولین بار، این حکومتی‌ها کاری کردن که من خعلی خوشم اومد! باریکلا! دستمریزاد!

یعنی روحم تازه شد! من از قدیم ندیم‌ها که از همین تلویزیون چهارده اینچ مغازهٔ عباس آقا ماست بند، فوتفال نیگا می‌کردم و فقط و فقط منو راه می‌داد، از این علی پروین و شمارهٔ هفت خوشم می‌اومد. همیشه می‌گفتم: آخرش می‌رم فوتفالیست می‌شم و با شمارهٔ هفت گل می‌زنم.

شورای نگهبان هم ظاهرا مثل خود من عشق همون روزها را داشتند. قرتی‌ها بهش می‌گن نوستال نمی‌دونی چی چی... بابا دمتون گرم! یعنی شومام آره!؟

عی روزگار! لابد اون‌هام مثل من آرزوی شمارهٔ هفت رو داشتن، اما حالا باز هم مثل من، درگیر پا درد و کمر درد و واریس و پروستات و هزار جور درد بی‌دمون دیگه هستن. بمیرم براشون!

اما همین که نوستالیشون گل کرد و هفت نفر رو نومزد کردن برا انتخاب ریاست، یعنی همین! پروین پا طلایی، هنز امید مایی! به به!

این روزها، عباس آقا، دل به دلم نمی‌دد. هر چی من می‌گم، بلافاصله می‌گه نع! حالا یا واسه خاطر این که من هم حالا یک عدد تلویزیون شهاب، اون هم رنگی (دقت کونید رنگی!) دارم، خب من هم سواتم بالا رفته و یه چیزهایی از این دنیای دور و بر می‌فهمم! هر چی باشه، تلویزیون عباس آقا، گیریم گروندیک اصل باشه، اما بازم سیاه و سفیده... پس اگه اوشون نظر می‌ده، یا سیاهه یا سفید، اما مال من، رنگی توو رنگیه!

حالا..!

صُپا صبح با نیش باز، رفتم دم مغازه‌ش تا یخته شیره و پنیر بگیرم، گفتم عباس آقا فهمیدی که هفت تا رو نومزد کردن برای انتخاب ریاست؟ گفت: "بعله!" گفتم: "مال نوستالیشونه!" گفت: "مال چی چی‌شونه؟" گفتم: "نوستالی! یعنی آدم عشق گذشته‌شا داشته باشه و اینا... مثل من و شما!" گفت: " نع! نوستالژی"...

همه‌اش می‌گه نع! حالا یه ژی رو ما یادمون رفت... تازه من فارسیش کرده بودم. گفتم: " همونی که شوما می‌گی! اما دمشون گرم که یاد عدد هفت رو کردن و علی پروین و... اون روزها! یادش به خیر! یادت می‌آد می‌اومدم این جا با هم فوتفال نیگا می‌کردیم..."

باز هم گفت: "نع! هیچ ربطی نداره!"

گفتم: "پس به چی چی ربط داره؟"

گفتش که "ببین اولا نوستالژی این حضرات، فوتفال و علی پروین و ناصر حجازی و پرویز قلیچ‌خانی نیست. همون وقت‌ها هم می‌گفتن کار بیخودیه و عوضش برین تیراندازی و اسب سواری و شنا یاد بگیرین. دوم این که سن این‌ها خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. علی پروین، مال دیروز عصرشونه. نوستالژی جوونی و بچگی این‌ها، هفت کچلونه!"

پرسیدم: "هفت کچلون دیگه چی‌چی‌اس؟"

گفت: "هفت داداشی بودن همین دور و برها، گردن کلفت و بزن بهادر بودن و همه ازشون می‌ترسیدن. هم خوب بودن و هم بد و گاه گداری همه کاری ازشون بر می‌اومد. بعضی‌ها ازشون خوب می‌گن و بعضی دیگه ازشون بد می‌گن. به هر حال، یکی از بدی‌های مستمر این‌ها این بود که هر بار یک عده‌ای کله‌هاشونو کچل می‌کردن و می‌افتادن به لات بازی به نام هفت کچلون و مردوم از اون‌ها هم می‌ترسیدن و به نام این‌ها تموم می‌شد. توو همین سنگلج و گود عرب‌ها و بازار و چاله میدون، گرد و خاک می‌کردن و شتیل می‌گرفتن."

گفتم: "لابد این‌ها هم خیلی بزن بهادر بودن..!"

باز هم گفت: "نع! بزن بهادر که نع! زورشون حد اعلا به زن و بچه و آدم ضعیف می‌رسید. هر کسی بهشون شتیل نمی‌داد، جز آدم ضعیف... هدفشون هم نهایتا گرفتن شتیل بود."

من که پاک گیج شدم، از علی پروین رسیدم به هفت کچلون واقعی و هفت‌کچلون‌ها تقلبی! امیدوارم این هفت تا اقلا کچل نباشن و دنبال شتیل گرفتن نیومده باشن!

محل انگشت شصت: احمد آقای قاطی پاتی

اخبار داخله

هفت نامزد انتخابات ریاست جمهوری، برای افزایش افسارگسیختهٔ تورم هم قسم شدند.

در جریان مصاحبه‌های تلویزیونی هفت نامزد شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری، همگی سوگند خوردند که برای افزایش نرخ تورم به شکل افسارگسیخته، تلاش گسترده‌ای خواهند کرد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، پس از اعلام تعهد محسن رضایی، یکی از نامزدهای شرکت کننده و نیز تاکیدات مکرر ابراهیم رئیسی، دربارهٔ افزایش یارانه‌ها به شکل سرسام آور، مهرعلی زاده نیز اعلام کرد که یارانهٔ پنج دهک پایین را پنج برابر خواهد کرد.

به این ترتیب، هر کدام از این حضرات، به ریاست جمهوری برسند، کشور شاهد تزریق انبوه پول به چرخهٔ مالی خود خواهد بود و لاجرم تورم، بین چهار تا پنج برابر افزایش خواهد یافت و وارد مرحلهٔ افسارگسیختگی خواهد شد.

اعلام برنامه‌های اقتصادی نامزدهای ریاست جمهوری، مستدلانه به همگی نشان داد که حضرات در حوزهٔ اقتصادی، در حد اکابر تشریف دارند و مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید.

لذا هر کس پس اندازی دارد، از همین حالا آن را تبدیل به خودرو کند تا پس از آمدن حضرات گوش و چشم بسته‌ای که قرار است مملکت را مزن به هنرهای خویش کنند، به شغل شریف مسافرکشی، بهر تامین قوت لایموت همت بفرمایید. از هم اکنون، نور به قبرتان بتابد!

ابراهیم رئیسی اعلام کرد: هرچی سرمایه است را راهی حوز زمین و املاک می کنم.

نامزد انتخابات وعده داد: به محض نزول اجلال به کاخ ریاست جمهوری، قصد دارد چهار میلیون باب مسکن با آوردهٔ صفر و زمین رایگان بسازد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، همت بالغهٔ ریاست جمهوری بعد از این، برای صنف بساز بفروش، مایهٔ شعف در حد "بزن بشکن، بهاران فصل نون است؛ بزن بشکن که تولید واژگون است!" شده است و همگی با دستانشان بوس‌های بسیار برای ریاست جمهوری "قطعا بعد از این" می‌فرستند.



یکی از کارشناسان در این باره تاکید کرد: "یعنی بخور بخوری شروع بشه که عمرا کسی بره سراغ تولید و سرمایه‌گذاری در حوزهٔ ایجاد کارخونه و کارگاه و این طور مقولات... مردم که پول ندارن خونه بخرن. تو بگو اصلا دویست میلیون! مگه کم پولیه دویست میلیون. البته عمرا بشه مسکن دویست میلیونی ساخت. همین حالا هم کلی مسکن خریداری شده و بدون ساکن گوشه‌ای افتاده. ساخت مسکن جدید بحران مسکن را بدتر می‌کنه. عده‌ای هم صد تا صد تا از این مسکن‌ها می‌خرند و می‌دن دست مستاجر بدبخت!"

حافظ از غیب اعلام کرد: سخنان خانم ابتکار، الهام بخش یکی از اشعار من بود.

یکی از بزرگان که جز خواب دیدن کار دیگر بلد نیست، اعلام کرد که حضرت حافظ به خواب ایشان آمده، گفته است: سخنان خانم ابتکار دربارهٔ افزایش نقش زنان در دولت آقای روحانی، الهام‌بخش یکی از اشعار معروف او بوده است که وی به واسطهٔ غیبدانی قرن‌ها پیش از آن مطلع شده بود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این آقای بزرگان که معمولا اسم هم ندارد و همیشه از او با عنوان یکی از بزرگان یاد می‌شود (احتمالا در شناسنامه هم همین اسمشه) در این باره گفت: "حضرت حافظ به من فرمودند: وقتی شنیدم که این خانم همیشه معاون، از نقش دولت روحانی در به کار گیری خانم‌های خواص و آقازاده‌های مؤنث وابسته ستایش می‌کنند، ناخودآگاه گفتم: گر راهزن تو باشی! صد کاروان توان زد... صد کاروان توان زد..."



به تعبیر بهتر، با این راه‌کار خوب برای به کارگیری زنان

در مشاغل حساسهٔ دست بالا، در دولت‌های بعدی هم می‌توان از این چهره‌های مؤنث درخشان، بیش از پیش استفاده کرد، به حول و قوهٔ الهی!

به همین مناسبت، ساعتی پیش، دفتر حضرت حافظ که در بخش غیب قرار دارد، با صدور بیانیه‌ای هر گونه حضور حضرت حافظ را در خواب آقای "یکی از بزرگان" برای سخن گفتن دربارهٔ بدیهیات، قویا تکذیب کرده است.

لاوروف: همهٔ اعضای برجام، در حال افزایش سرعتشان هستند.

وزیر امور خارجهٔ روسیه اعلام کرد: همهٔ اعضای برجام قصد دارند با سرعت برق و باد به توافق برسند و برجام را دو دستی تحویل کنگرهٔ آمریکا دهند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او که در حاشیهٔ نشست مشترک مقام‌های روسیه و چین گفتگو می‌کرد، در این باره گفت: "ما و چینی‌ها، قصد داریم که هر چه سریعتر شر این توافق را از سرمان کم کنیم و دو طرف ایران و آمریکا را به امضای یه چیزی روی کاغذ وادار کنیم. یعنی من یکی که دیگه از شهر وین داره حالم به هم می‌خوره، اسم برجام را هم که می‌شنوم، کهیر می‌زنم."

او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که کنگرهٔ آمریکا با چنین توافقی چه کار خواهد کرد، پاسخ داد: "اعضای کنگره، هم سرعتشان را چند برابر کرده‌اند و به ما قول داده‌اند که به محض رسیدن توافق، بلافاصله آن را رد خواهند کرد. اقلا از این نظر، ما مشکلی نداریم و مجبور نیستیم که این بار هی بریم واشنگتن و هی برگردیم!"

خبرنگار ما گفت: "پس کلا این توافق رد خواهد شد!"

لاوروف پاسخ داد: "پ ن پ..! به عنوان اصلاحیه به قانون اساسی آمریکا اضافه خواهد شد."

رحمانی فضلی: روابط ایران و تاجیکستان آن قدر گسترش می یابد که قطع شود!

وزیر کشور در دیدار با همتای تاجیک خود اعلام کرد: ما قصد داریم روابط تهران و دوشنبه را آن قدر کش می‌دهیم که تق پاره بشه و برگرده سرجای اولش!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این مقام ایرانی، دربارهٔ روابط ایران و تاجیکستان اعلام کرد: "الان که ما میزبان وزیر کشور دوست و دشمن تاجیکستان هستیم، معلومه که داریم دربارهٔ چی با هم صحبت می‌کنیم، وگرنه واسه چی وزیر کشور فرستادند. دارن به ما می‌گن یا به ما کمک می‌کنیم که مخالفانمان را بگیریم و بندازیم هلفدونی یا نه ما و نه شما، همه چی را هم می‌ندازیم گردنتون. هر چی هم می‌گیم بابا، حوادثی که شما دارین ازش یاد می‌کنین مال قبل از به دنیا اومدن بچهٔ بزرگ منه، به دخلشون نمی‌ره که نمی‌ره."



او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما دربارهٔ نحوهٔ گسترش روابط با تاجیکستان خاطرنشان کرد: "اصلا روابط ما با تاجیک‌ها همین طوریه! اولش قطع می‌شه و کلی هم به ما فوش می‌دن و تهمت می‌زنن، بعد چند نفر که عاشق روابط پارسی زبانان هستند، کش تنبان روابط دو طرف را هی به همدیگه نزدیک می‌کنن تا... تق دوباره از یه جای دیگه پاره بشه!"

خبرنگار ما در پایان گفت: "واقعا خَسته نباشی!"

یوسی کوهین: ما به قلب ایران نفوذ کردیم، ایرانی‌ها هم در روده کوچک ما پایگاه زدند!

رئیس سابق موساد که پس از شیرین‌کاری‌های اخیر در نهایت، به دست نتانیاهو برکنار شد، اعلام کرد: ما تا قلب ایران نفوذ کردیم.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که اگر شما در ایران نفوذ کردید، ایرانی‌ها چقدر به اسرائیل نفوذ کرده‌اند، گفت: "راستش آن‌ها می‌دانند که ما کجای قلبشان هستیم، اما ما نمی‌دانیم کجا هستند. یک بار در قلبمان هستند، گاهی وارد رودهٔ کوچمان می‌شوند و از پایین خارج می‌شوند و دوباره وراد سوراخ دماغمان می‌شوند. ما برای دور کردن خطر ایران از خودمان، باید همهٔ سوراخ‌هایمان را با چوب پنبه ببندیم. این طرح را که دادم، بی‌بی نتانیا منو بیرون انداخت!"



همراه با دکتر الاغ خرنژاد

دکتر الاغ خرنژاد، دستمایه‌ای است که لحن انتقادی بسیار تلخی دارد. از یک سو، نگاهی گزنده، به «ملایان مکتب نرفته‌ای» دارد که در کسوت کارشناس حوزه‌های مختلف، در هر زمینه‌ای اظهارنظر می کنند و رادیو و تلویزیون را پر کرده‌اند و از سوی دیگر «اشرف مخلوقات بودن» انسان را به سخره می گیرد. انسانی که بازیچهٔ افکار و عقاید مختلف است و به راحتی فریب می خورد. دکتر الاغ خرنژاد، موجود فرزانه و متفکری است که تنها گناهش الاغ بودن است. هرچند بهتر از خیلی از آدم‌ها می فهمد.

- جناب دکتر، با تشکر از وقتی که به ما دادید، این ماه هم قصد داریم دربارهٔ مهمترین رویداد ماه، یعنی درگیری در اسرائیل و نوار غزه، با شما گفتگو کنیم.

• بکن!

- استاد، چطور شد که ناگهانی همه چیز به هم ریخت، اوضاع به نظر خیلی آروم بود.

• خب طبیعیه! وقتی اوضاع خیلی آرومه، شما باید شک کنی که در چنین جای پر جیغ و دادی، چرا یهوکی همه کُپ کردن.

- منظورتون رو نمی‌فهمم!

• خب معلومه که نمی‌فهمی! بچه آدم که نباید چیزی را بفهمه... جواب تو یک کلامه: بنیامین نتانیاهو!

- همین، نمی‌خواین توضیح بدین؟

• چه توضیحی بدم؟ اگه به تو بگن که باید هر روز یک مصاحبه بیاری، وگرنه می‌ری زندون، چی کار می‌کنی؟

- خب روزی یه مصاحبه می‌آرم. بهتر از زندون رفتنه...

• خب این بدبخت هم وضعش همینه! اگه نخست وزیر نشه، می‌افته زندون! خیلی دشوار بود، بچه آدم؟

- آخه من که برای جمع‌آوری کلمات قصار پیش شما نیومدم که... توضیحی، شرحی، تحلیلی، چیزی...

• جوابت رو دادم، برای بیشتر شتیل می‌خوام. صاحب من که نیستی! تازه اگه بودی هم باید غذام را می‌دادی...

- من طبق معمول یه بار یونجه تحویل انبار دادم.

• خب حالا این شد یه حرف حساب... ببین! بنیامین، در نهایت نوچه است. نه از خودش لشکر داره و نه انبان درآمد نجومی. اتفاقا آدم بسیار پولکی هم هست. عین من که برای مصاحبه از تو یونجه می‌گیرم، این بابا برای هر کاری شتیل می‌گیره. بیشتر از دوازده ساله که با رجز و می‌زنم و می‌کشم، داره حکومت می‌کنه. اربابش هم پشتت رو گرفته بود و بقیه جرات نمی‌کردم براش مشکل درست کنن. حالا مدتیه که دیگه خبری از ارباباش نیست. یکیشون که مرد و بقیه هم از هزینه‌های سنگین این بابا خسته شدن.

- نتیجه می‌گیریم که نتانیاهو این جنگ را راه انداخته تا بقیه را در برابر کار انجام شده قرار بده...

• تو بی‌خود کردی که نتیجه گرفتی! این بدبخت حالا آه نداره که با ناله سودا کنه، بیاد جنگ راه بندازه؟ مگه نمی‌بینی بر اثر این جنگ، حالا رئیس یک حزب تندروی یهودی رفته با رئیس یک حزب چپ‌گرا ائتلاف کرده. اگر این جنگ نبود، این بابا، یعنی نفتالی بنت توو خواب هم جرات همچی کاری را نداشت.

- پس کی راه انداخت؟



• اولا بخشی از این جنگ، ناشی از پدرسوختگی خود نتانیاهو بود. یکی از امتیازاتی که به رفقاش داد، مصادرهٔ زمین و خونهٔ فلسطینی‌ها در اورشلیم بود...

- قدس یا بیت المقدس...

• ما خرا می‌گیم اورشلیم... چون شما آدم‌ها تشخیص نمی‌دین که این دو تا اسم تقریبا یکیه! دیگه حرفم رو قطع نکن! بلاخره این زمین‌ها مصادره می‌شد و بعد، رفقای نتانیاهو می‌ساختند و به یهودی‌های ثروتمند خارج از اسرائیل با قیمت گزاف می‌فروختن. این رویه گرچه قبلا هم بوده، اما نتانیاهو با اهداف سودجویانهٔ شخصی، به دکهٔ خودش تبدیل کرد و چون این بده بستون، پشت پرده بود، ظاهرا کسی نمی‌فهمید. اما مگه می‌شه یه همچی چیزو پنهان کرد.

- تا این بلاخره صدای مردم در اومد!

• زکی! باز هم که پریدی توو حرفم... مردوم بی‌چاره چه کاره‌ان؟ مگه می‌شه خونهٔ یه آدم رو ازش بگیرن و ساکت بشینه. همیشه فریاد می‌زدن، اما گوش هیچ کس بدهکار نبود. رقبای سیاسی، مخالف‌ها و خود فلسطینی‌ها، گوش به زنگ بودن تا در این فرصت، فتیله را بالا بکشن. چون بر خلاف گذشته، این بار نتانیاهو دستش به جایی بند نیست.

- جالبه! خب حالا که نتانیاهو وضعش این قدره خرابه، چرا زود غقب نشینی نکرد تا اوضاع این قدر خراب نشه؟

• بس که نفهمه! خیال کرد که خیلی زور داره و آدم مهمی شده و نظر سنجی‌ها هم نشون می‌داد که احتمال پیروزیش در انتخابات زیاده. البته این همهٔ ماجرا نیست. این رو هم می‌فهمید که تعداد حامیانش کم شدن و حالا دیگه محتاج کمک همین بساز بفروش‌ها شده که متحد مشتی جهود تندروی ساکن آمریکا هستن که اصرار دارن باید سراسر اورشلیم از لوث فلسطینی‌ها پاک بشه.

- این خیلی عجیبه که در داخل اسرائیل هیچ کس حاضر نیست، با نتانیاهو مؤتلف بشه...

• تو حاضری با آدم قرمساق کار کنی؟

- خب معلومه که نع!

• همین گانتس ابله که وزیر دفاعشه... در انتخابات قبلی فریب نتانیاهو رو خورد. بهش گفت که بیا من و تو ائتلاف درست کنیم تا چپ‌ها نتونن به قدرت برسن. این ابله، اصلا متوجه نشد که اتفاقا به نفعشونه که چند سالی چپ‌ها را به قدرت برسونن تا راستگراها وحشت کنن و باز برن سر وقت احزاب راستگرا و نتانیاهو برای این که نیفته زندون داره اینقده جلیز و ولیز می‌کنه. با نتانیاهو توافق کرد که دو سال اول، اون نخست وزیر بشه و دو سال بعد، خودِ گانتس نخست وزیر بشه. با این کارش نه تنها جایگاه رهبر مخالفان را از دست داد، بلکه نتانیاهو، با این کار، اونو از دایرهٔ رقابت حذف کرد. ببین چقدر قرمساقه! باز دو سالی فرصت گرفت تا زندون نیفته!

- حالا این جنگ، با توجه به کارهایی که نتانیاهو در جنگ کرد، چقدر هزینه روی دستش گذاشته؟

• مگه نمی‌بینی؟ فقط قوز بالا قوزش زیاد شد. عقلش همین قدره! نفعِ بلافاصله جلوی دماغش را می‌بینه. از حالا دیگه افتاده تووو سرسره، همین جوری پایین‌تر می‌ره.

- خب حال استاد، این کار برای فلسطینی‌ها چقدر فایده داره؟

• فلسطینی‌ها، همیشه دنبال پیروزی‌های شکوهمند هستن. رجز بخونن و دبکه بزنن و بگن آفرین به قد و بالامون که چقذه ما با حالیم. توو یه وجب جا که نمی‌شه ارتش خودکفا ساخت. اگه ایرانی‌ها ساختن، به خاطر وسعت اراضیشونه. تا بیای پیدا کنی، دو سال گذشته و تا بیای برخورد کنی، ده سال گذشته. توو این مدت هم همه کاری می‌شه کرد. این بدبخت‌ها اگه بتونن همهٔ کشورهای منطقه را پشت سر خودشون نگه دارند، بعله می‌شه کاری کرد. اما از روزی که این‌ها مثلا مبارزه رو شروع کردن، عادت داشتن خاله و خان باجی این و اون بشن. خودشونو وارد بازی‌های این و اون می‌کنن. در دوران جنگ، ایران بی‌چشمداشت ازشون حمایت می‌کرد، اما این‌ها رفتن زن صیغه‌ای صدام شدن و تازه براش نیرو می‌فرستادن تا ضد ایران بجنگن. تا حالا الاغ دیدی همچی کاری بکنه؟ فقط از شما آدم‌ها بر می‌آد که در اوج بدبختی، تازه از قوز دبل استفاده کنی. همین چند سال پیش هم تا دیدن مرسی در مصر داره ازشون حمایت می‌کنه، برای ایران و سوریه رجزنومه فرستادن و خط و نشون کشیدن. یعنی موش توو سوراخ نمی‌رفت، جارو به دمبش می‌بست. این هم صفحه‌ای زرین در مبارزات ملت فلسطین است که آخرش با یک صفحهٔ سیاه، ورق می‌خوره و می‌ره دنبال کارش... فکر هم نکنم که بیدار بشن!

- استاد بسیار متشکرم که وقتتون رو به ما دادین. امیدوارم یونجه‌ای که براتون آوردم، گوشت بشه بره توو تنتون...

• تا چاق بشم چله بشم، اون وقت به جای گوشت گوساله بکنین توو پاچهٔ مردم... برو دیگه!

پایان

حیدر سهیلی اصفهانی
خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین



گپ و گفت

- شنیدی علی مطهری چی گفته؟
• علی مطهری تازگی‌ها یاد گرفته چیزی نمی‌گه، تویت می‌کنه! مثلا به زنش تویت می‌کنه که زن یه پیاله چایی وردار بیا..! زن گشنمه..! و از این جور تویت‌ها..!
- خب حالا، فهمیدی چی تویت کرده!؟
• نع!
- گفته: علی لاریجانی را چرا رد صلاحیت کردین. با اون همه تجربیات گرانبها که به درد کشور می‌خوره!
• ملت دارن تووو سرشون می‌زنن که از شر همین تجربیات خلاص بشن، بعد این بابا می‌خواد همین تجربیات را حقنه‌مون کنه؟
- همینو بگو!
• این که خیلی آزاده مازاده بود و دنبال آزادی بیان و غیره... چی شد کارش که به داماد خانواده رسید، ناگاه دلش برای تجربیات استبداد بیان ایشون لک زد!
- والله چه می‌دونم! اما مردهٔ اینم که بفهمم کدوم قسمت از تجربیات داماد معظم، مورد توجه علی آقای مطهری است؟



• نمی د و نم والله! ایشون که کلی خاطره از انواع عشق در موی سپید دارن، باید دید که کدوم جنبه را می پسند ن . . .
- احتمالا به کارگیری لنپن‌ها و آماتورهای ذاتا دیپلمه به پایین در کادر مدیریت صدا و سیما مد نظرشونه...
• یا شاید هم بی‌اعتقادی ایشون به هر گونه آزادی بیان و ایجاد خفقان مطلق مد نظرشونه!
- نمی‌دونم شاید هم این دستآورد درخشان براشون جالب باشه که از افزایش حقوق کارمندان جلوگیری می‌کردن و بعد مازاد را در راستای اهداف جناحی به کار می‌گرفتن...
• نع! باید دید که چطو شد که علی آقای مطهری زبان به انتقاد گشودن. علت اصلی، احتمالا رابطهٔ خویشاوندی و شکایات عیالات باشد که ایشان را در مضیقه و پرس گذاشته...
- بعله! از این نظر هم مهمه! چون علی آقای لاریجانی، صلهٔ رحم را خصوصا دربارهٔ برادران بسیار مراعات می‌کردن و کسی که تا این اندازه به صلهٔ رحم پایبند باشن، قطعا دربارهٔ مقربین دیگر هم توجهات ویژه دارن.
• شاید هم ضربهٔ روحی به شخص علی آقای مطهری خورده..!
- چطو!؟
• این طو که ایشون تا حالا گل همیشه بهار در میان برکه‌ای بدبو از شارلاتان‌ها و کلاه بردارها بودن. همه می‌گفتن: به به! ببینی وسط این اوباش، این پسر چطو به میراث پدر چنگ زده و راوی پدر شده. اگر این برکه برچیده شود، علی آقای مطهری هر چه هم زور بزنن، عمرا بتوانن گل هیشه بهار باشن، آن هم در مرغزار اندیشه و هنر و سخن ایرانیان..!
- پس بالاخره علتی داشت!
• بی‌علت که نیست! اصلا وجود آن نازنین در آن جایگاه، علل عدیده دارد که ممکن است از این پس، نداشته باشد!

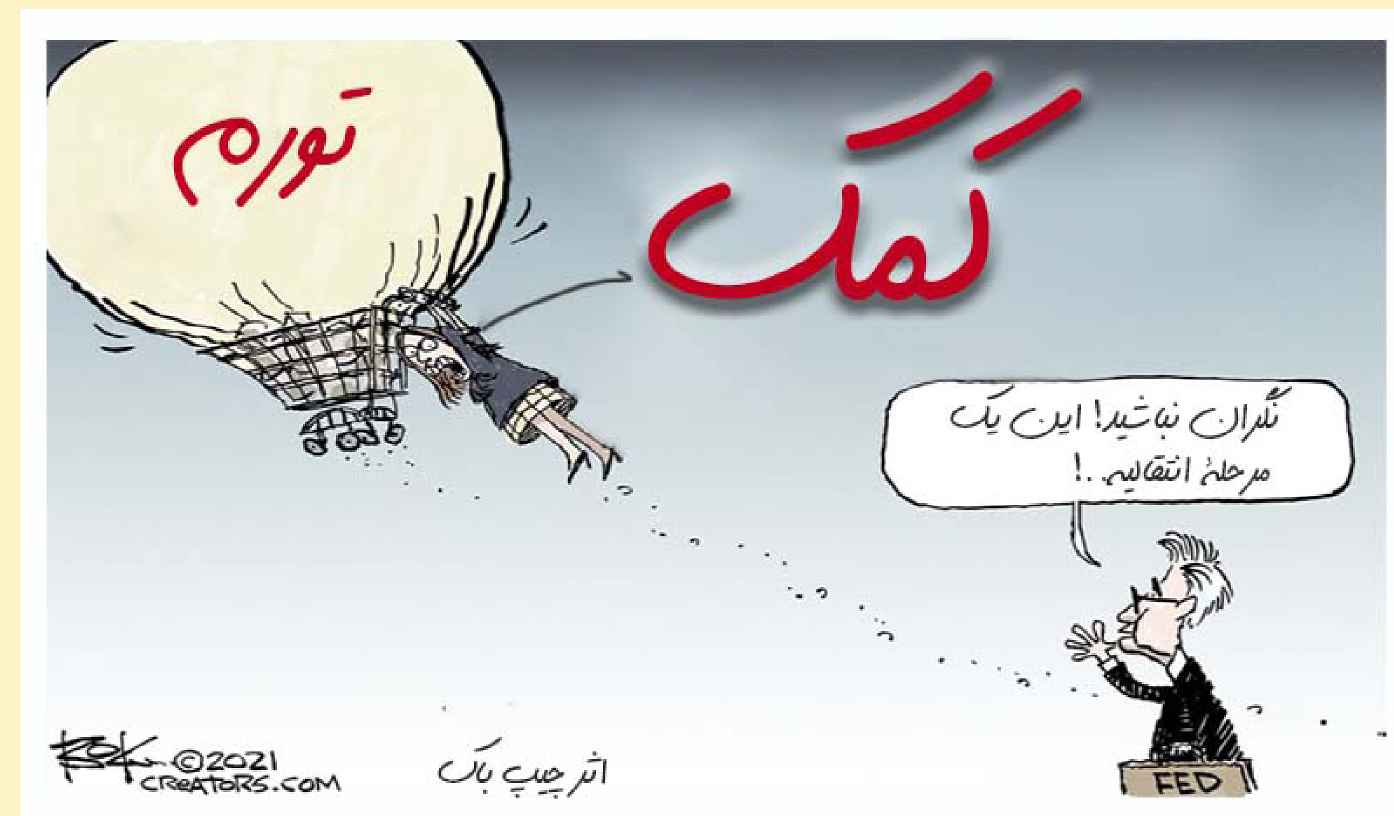


کارتون‌های وطنی

خبر اولن لاین | محمد رضا میرشاه ولد

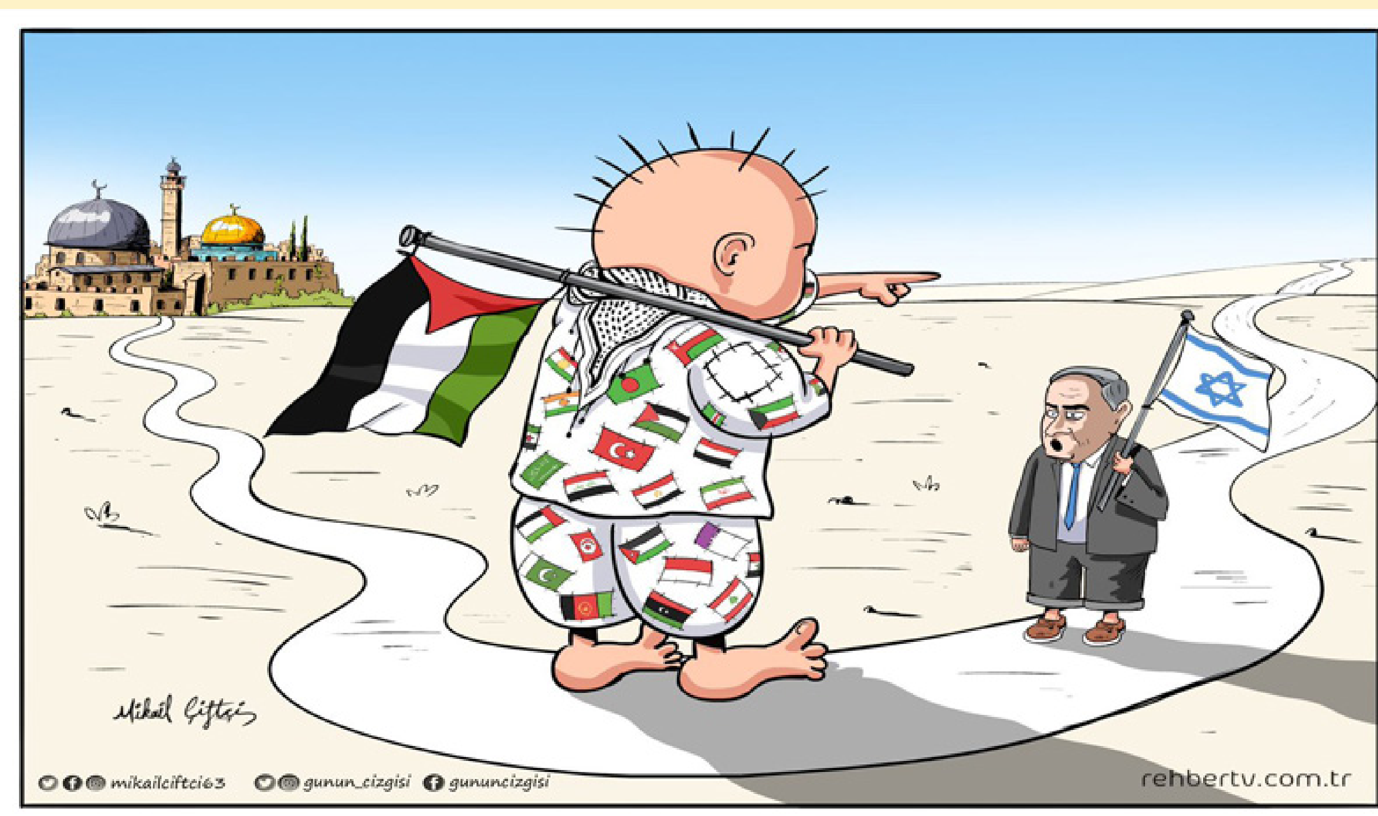


کارتون های خارجی





کارتون های خارجی



نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعی شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضع اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگر نفتالی بنیت برای بنیامین نتانیاهو نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟



با سلام به خاخام اعظم جناب بی‌بی نتانیا و ملکهٔ کشور، همسر گرامی، عرض ارادت در حد جانفشانی دارم. از احوال ما که نمی‌پرسید، لذا خودم را کوچک نمی‌کنم و از احوال خودم چیزی نمی‌گویم. در برابر چون تویی که یادآور پادشاه یهودا، رحبعام است، بنده ارزشی ندارم. البته تو از رحبعام فرزند سلیمان هم بالاتری، چون رحبعان ملت را به دو پاره کرد، اما تو شاه بنی یامین، این یک وجب جا را تا به حال، اقلا به ده پاره تقسیم کرده‌ای!

شنیده‌ام برایم رجز خوانده‌ای و گفتی که من خائنم! راستی چرا خائن؟ مگر با دو نفر با هم خورده برده‌ای داشته‌ایم؟ تا آن جا که بنده می‌دانم، خیانت یعنی ناسپاسی به لطف ارباب... و تا آن جایی که مردم اسرائیل به یاد دارند، این جناب‌عالی بودید که به آرییل شارون، ارباب همیشگی خود، چنان خیانتی کردی که او در جا سنگ کوب کرد و تا سال‌ها به امید این که از جا بلند شود و تو را جر دهد، در حالت کما ماند و حاضر به ترک این دنیای فانی نبود و مگر تو از رو می‌رفتی؟

اما قطعا منظور تو از این که من خیانت کردم، خیلی واضح‌تر است. تو سال‌هاست که خود را نماد اسرائیل می‌دانی! این اخلاق، با اخلاق رحبعام مو نمی‌زند. چون او هم وقتی با خواست بنی‌اسرائیل رو به رو شد که از او خواستند سیاست سختگیرانهٔ پدر را دنبال نکند، برای آن‌ها رجز خواند و تا کار را به جنگ داخلی نکشید، ول نکرد.

سال‌هاست که اسرائیل، یعنی بنیامین نتانیاهو... و تو منافع شخصی خودت را فراتر از همه چیز، حتی منافع ملی اسرائیل که هیچ، حتی از مشیت یهوه هم بالاتر قرار داده‌ای. حالا خائن کیه!؟

بیشتر از دوازده سال، آیا تو کاری غیر از این داشتی که خودت را سامسون نجات بخش اسرائیل در برابر هیولایی به نام ایران وانمود کنی؟ هر بار هم که ایرانی‌ها خودشان کلی بدبختی داشتند و وقت نداشتند سر به سر تو بگذارند، تو سیخی چیزی بهشون فرو می‌کردی تا واکنش نشان بدهند.

سوریه را یادت می‌آد؟ نقشهٔ کی بود جز تو؟ خیلی خوب فهمیدی نان و آب سرشاری برای خودت و خانواده‌ات دارد. آیا تضمینی بود که به سود منافع اسرائیل تمام شود؟ چرا دروغ بگویم، اولش چشم‌انداز فریبنده‌ای وجود داشت، اما بعدا چه اتفاقی افتاد؟ مشخص شد که این بازی برنده‌ای ندارد، اما یک بازندهٔ بزرگ دارد و آن هم کسی نیست جز بنیامین نتانیاهو! آیا زیر بار آن رفتی که این شکست به نام تو نوشته شود؟ البته که نه! خودت را کنار کشیدی و گذاشتی، کل فاکتور را دولت اسرائیل بپردازد و خودت نیشخند پیروزی بر لب، رژهٔ پیروزی سر دادی! کسی هست که نداند چرا تو ادعای پیروزی داشتی؟ چون تو اصلا قرار نیست بازنده باشی، تو فقط پیروزی..!

حالا مبارک است، به جای چند تا کشور عرب

دوزاری، دشمن بزرگی به نام ایران داریم!

پروژهٔ جایگزین کردن ایران به جای کشورهای عربی در پروژهٔ دشمن‌سازی کار کی بود؟ کار جناب‌عالی! کدام احمقی ممکن بود که دچار چنین مخمصه‌ای بشود، جز تو!؟ برای تو هیچ اهمیتی نداشت، چون باز هم هزینه را باید اسرائیل می‌داد، نه تو!

گدازادهٔ گداسیرتی مثل تو و خانواده‌ات، آبرویی برای ما نگذاشتند. هی سیخ بزن و صدای ایران را دربیار و وانمود کن که در حال جنگیدن با ایران هستی. درست قبل از هر انتخابات، پروژهٔ مبارزه با ایران کلید می‌خورد تا فردای پس از پیروزی و بعد یک مشت احمق از این که سامسون افسانه‌ای دارند، خر کیف می‌شدند. غافل از این که برای تو، نه ایران مهم بود و نه حتی اسرائیل! تو فقط یک کشور در درون خانه‌ات داری که شهروندانش خودت و اعضای خانواده‌ات هستند.

حالا هم پدرسوختگی‌ات جواب داده است. هی در ایران انفجار درست کن و هی حملات الکی راه بینداز که از نظر نظامی کوچکترین ارزشی نداشتند، اما ایرانی‌ها را خشمگین می‌کرد. در سوریه هم هزینهٔ سنگین حملات احمقانهٔ بی‌ارزشی که روس‌ها را تا حد جنون خشمگین می‌کرد، گردن اسرائیل می‌افتاد و توی ابله، با آن پوزخند احمقانه، وانمود می‌کردی که فتح نمایان کردی. خودت بهتر از هر کسی می‌دانستی، فتحی در کار نیست. این‌ها مشتی نیروی مواجب بگیر خارجی هستند که قرار است جنازه‌هایشان کف پیچ و راهی کشورهایشان شود.

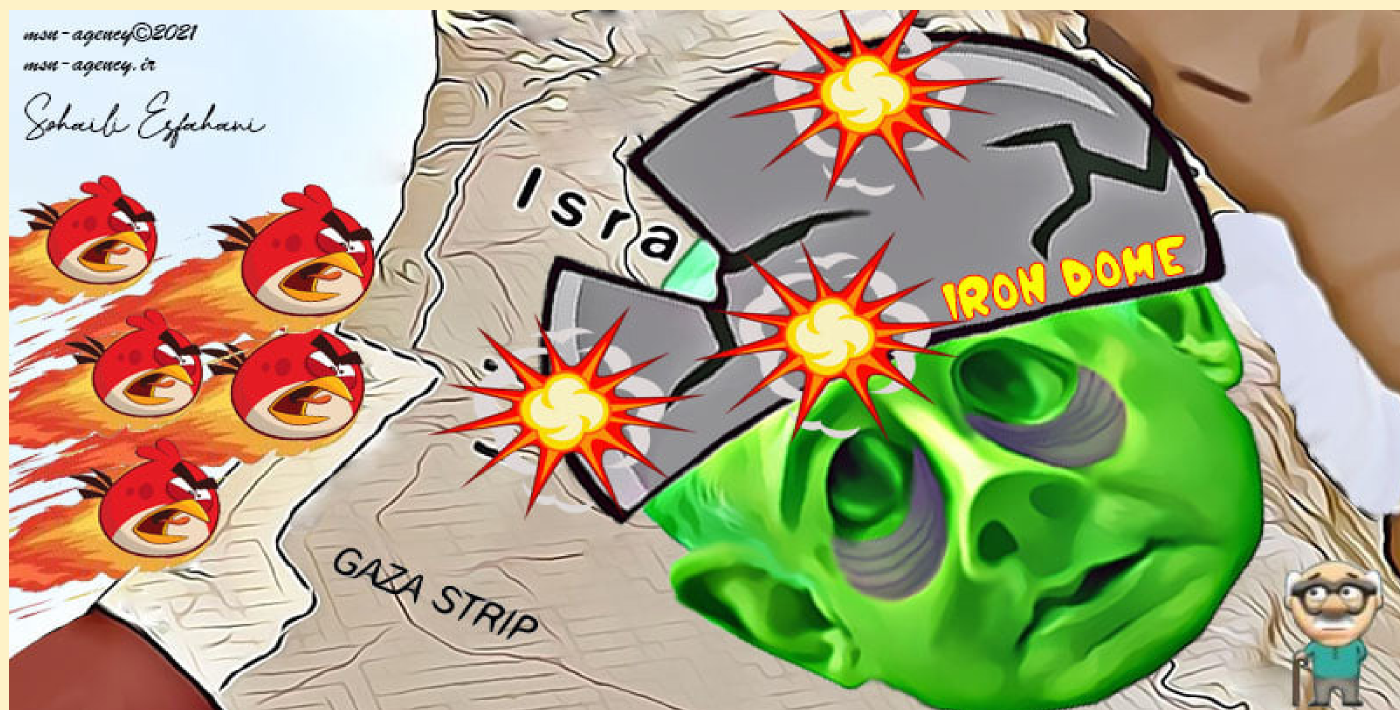
یکی از دلایلی که ایران واکنش فوری نشان نمی‌داد، همین بود.

همهٔ این کارها، هیچ ارزشی نداشت، جز تبلیغات انتخاباتی جناب‌عالی از جیب ارتش اسرائیل! عجیب هم نیست! وقتی لباس‌های کثیفی که حتی یک درصد خودت کثیف نبودند، راهی رختشورخانهٔ کاخ سفید می‌شد تا با هزینهٔ دولت آمریکا شسته شوند و آبروی اسرائیل را یکسره ببرند، برای تو مهم نبود. چون قرار نبود آبروی کشور نتانیاهو ببرود. تازه برای کشور نتانیاهو، آبرو چه ارزشی دارد؟

خب آقای بنیامین نتانیاهو! هم برای دولت ملت اسرائیل و ایران و هم برای دنیا خیلی مهم بود که بدانند آیا ایران قصد انتقام دارد یا نه و اگر آری، پس کی!؟ روز انتقام فرارسید و سراسر اسرائیل به میدان جنگی تبدیل شد که بی رفت و برگشت فقط یک پیروز داشت، در ظاهر فلسطینی‌ها و در باطن، ایران!

همهٔ ترقه‌هایی که در ایران ترکاندی، به صدها موشک تبدیل شد و همهٔ ابهت و احترام اسرائیل را یکسره بر باد داد. برای اولین بار فلسطینی‌ها ارزش اتحاد برای آزادیشان را فهمیدند و حالا در دل آن‌ها فقط یک امید وجود دارد و آن، تکرار آن روزهای شیرین است.

ب از آمده‌ای تا بخندی و وانمود کنی پیروز شدی، اما ببخشید آقای کشور نتانیاهو! این بار کشور تو هم شکست خورده و شکست بسیار سنگینی هم خورده... پس قبول کن که شکست خوردی و ادای شکست نخورده‌ها را هم در نیار!



اخبار خارجه

نتانیاهو از بیم دیدن کابوس شارون کمتر می‌خوابد!



طبق اطلاعات دریافتی، بنیامین نتانیاهو، از بیم دیدن آرییل شارون در خواب، کمتر می خوا بد !

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، چند شب پیش، نخست وزیر در حال رحلت اسرائیل، با سر و صدای زیادی از خواب پرید، به طوری که همسایه‌ها را بیدار کرد. یکی از همسایه‌ها که خیلی فضول است و اصرار داشت نامش را به خبرنگار ما بگوید که ما رغبت نکردیم چاپ کنیم، گفت: "رفتم پشت یکی از درخت‌های نزدیک اتاق خوابشون، شنیدم به زنش می‌گه: آرییل شارون رو تو خواب دیدم که قاه قاه می‌خنده و انگشت وسطش را به من نشون می‌ده و داد می‌زنه: آهانا! خوردی! زدی ضربتی، حالا ضربتی نوش کن!"

این پیرزن فضول ادامه داد: "زنش بهش گفت: خب راست می‌گه! تو هم دقیقا همین بلا را سر اون بدبخت آوردی که نفتالی بنت سر تو آورد. روی شونه‌هاش بالا رفتی بعد بی‌آبرو بی‌حیثیتش کردی و مجبورش کردی حزب لیکود را ترک کنه و بره!"

او در ادامه افزود که نخست وزیر اسرائیل را دیده که شب‌ها در خانه راه می‌رود و به همسرش می‌گوید از ترس دیدن آرییل شارون، می‌ترسد بخوابد. چون می‌داند آرییل شارون خیلی بد دهن است!

شوخی دولت آمریکا، برای چندمین بار، عنوان بهترین شوخی قرن را به خود اختصاص داد!

دولت آمریکا، مأموریت شناسائی اصل و منبع ویروس کرونا را به سازمان اطلاعات این کشور موسوم به سی آی إی واگذار کرد و به این شکل، با شکستن رکورد مضحک‌ترین شوخی قرن، رکورد قبلی را که



متعلق به همین دولت بود، شکست.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، دولت آمریکا، با تحقق پیروزی‌های پی در پی، در نیل به جایگاه مضحک‌ترین شوخی قرن، از این نظر نیز بالاترین رکورد را به خود اختصاص داده است.

نخستین موفقیت آمریکا در این زمینه، در قرن نونزدهم میلادی روی داد که 1875، در سال کشتار سرخ پوستان قبیلهٔ شایان به دست ژنرال کاستر، خود او را مأمور تحقیق دربارهٔ صحت و سقم این کشتار کرد. در گزارش هیات تحقیق ژنرال کاستر، با همهٔ آن سرخ پوستان مصاحبه شد و همگی از کشتارشان به دست ژنرال کاستر تشکر کرده بودند. قبایل سرخ پوست، در ادامهٔ همین شوخی، ژنرال کاسترو نیروهایش را قتل عام کردند.

این شوخی عظیم، نخستین مدال مضحک‌ترین شوخی قرن را به دولت آمریکا داد و تاکنون، هیچ دولتی نتوانسته است رکوردهای پی در پی دولت آمریکا را بشکند.

کاظمی: ما با ماچ و بوسه نیروهای آمریکایی را از عراق بیرون خواهیم راند!

نخست وزیر عراق اعلام کرد: با دیپلماسی فعال رفت و برگشتی، توانستیم شمار نیروهای آمریکایی مستقر در عراق را کاهش دهیم؛ یعنی با دیپلماسی «قربونت برم جیگر» که در کاخ نخست وزیری طراحی کردیم.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، نخست وزیر عراق در پاسخ به سئوالی دربارهٔ علت بازداشت یکی از فرماندهان حشد الشعبی گفت: "دولت توانسته



است با شعار «قربونت برم جیگر» آمریکایی‌ها را به ترک عراق متقاعد کند و آن‌ها هم به ما قول داده بودند که در پایان همین قرن، عراق را تخلیه خواهند کرد. اما ما دست بردار نبودیم. هر بار می‌رفتیم با ماچ و بوسه، از نظامیان آمریکایی خواهش می‌کردیم عراق را ترک کنند. با همین روش تا حالا شصت درصد از نیروهای آمریکایی را مایل به خروج از عراق کردیم. اما حشد الشعبی خیلی خشن است! حمله می‌کند و هواپیماهای بی‌سرنشین می‌فرستد. این کارها خوب نیست. فرماندهان آمریکایی، به من خبر داده‌اند میان سربازان آمریکایی موارد شب ادراری دیده شده است. خب جواب مادران این بچه‌ها را چه بدیم؟"

هفتهٔ سبز اروپا: همکاری سازمان‌های محیط زیست اروپایی با شرکت‌های ساخت جنگ افزار

به مناسبت هفتهٔ سبز اروپا، مقرر شد که سازمان‌های زیست محیطی اروپایی، روابط تنگاتنگ خود را با شرکت‌های تولید کنندهٔ اسلحه ادامه دهند و آن را گسترش دهند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، یکی از کارشناسان زیست محیطی که اسمش سخت بود، تاکید کرد: "شرکت‌های زیست محیطی قصد دارند همکاری نزدیک خود را با شرکت‌های اسلحه‌سازی ادامه دهند. به این ترتیب که آن‌ها اسلحه و مهمات بسازند و این‌ها شلوغ کنند و برای محیط زیست نوحه‌سرایی کنند و نابودی محیط زیست را به گردن زمین و زمان بیندازند تا کسی حواسش به سوی این شرکت‌ها و نقششان در نابودی محیط زیست نرود."

نخست وزیر نروژ: یا دیگه آمریکا از ما جاسوسی نمی‌کنه، یا من احمقم!

ارنا سولبرگ اعلام کرد که بعد از این که با عصبانیت به آمریکا اعتراض کردم که دیگه حق نداره از نروژ جاسوسی کنه، آمریکایی‌ها به من اطمینان دادند که از سال 2014 تا حالا دیگه از ما جاسوسی نمی‌کنن!

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این مقام نروژی با شوق و ذوق گفت: "اگه بدونین از شنیدن این خبر اینقدذه خوش‌حالم که نگو و نپرس! قبلنا همش یه چشمم به سقف بود، یه چش دیگه‌ام دنبال کارم. همش در گوشی حرف می‌زدم و تلفنی اصلا چیزی نمی‌گفتم. همیشه به منشیم می‌گفتم بیا کارت دارم و بعد، می‌رفتیم زیر لحاف و بعد یواشکی در گوشش حرفم را می‌زدم."

سولبرگ در ادامه افزود: "آمریکایی‌ها به من اطمینان دادن که اصلا هیچی دربارهٔ برنامه‌های کاهش وزن من نمی‌دونن... اون‌ها حتی نمی‌دونستن که شوهرم گاهی به منشی من چشمک می‌زنه! یعنی خود هم نمی‌دونستم! اما اون‌ها گفتن که از این موضوع خبر ندارن... بعدش، اون‌ها حتی نمی‌دونستن که من یک شلوارک صورتی خریدم و روزانه با اون ورزش می‌کنم. وای خاک بر سرم! اون‌ها حتی نمی‌دونستن که من همون موقع که داشتم باهاشون حرف می‌زدم، شورت و کرست سبز مورد علاقه‌ام را تنم کردم... ولی آخه اونا از کجا نمی‌دونستن!؟"

او دست آخر با بغض گفت: "یارو بهم گفت: ما از وجود لحاف در دفترت هم هیچ خبری نداریم، اما لحافت خیلی قشنگه..! ببینم! به نظرتون من احمق به نظر نمی‌آم؟ خودم که این طور فکر می‌کنم."



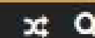


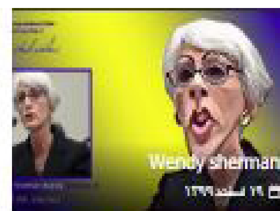
خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MollaNasroddin Satire News Agency

واقعیت خنده دار است!











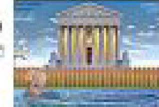
خبرهای سیاسی

شمارهٔ اخیر مجله | برای دانلود روی مجله کلیک کنید

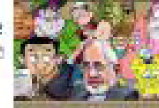




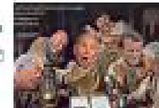
روابط ایران و آمریکا، نقطهٔ پایان تاریخی



رد شکایت



یعنی ما جدی نیستیم؟!

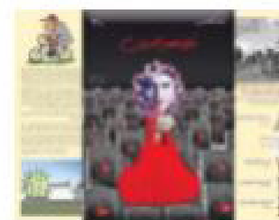


میل به برجام و بایدن ناکام

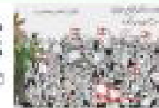


Angry Missiles

آرشیو مجله: شماره‌های پیش



دیدگاه



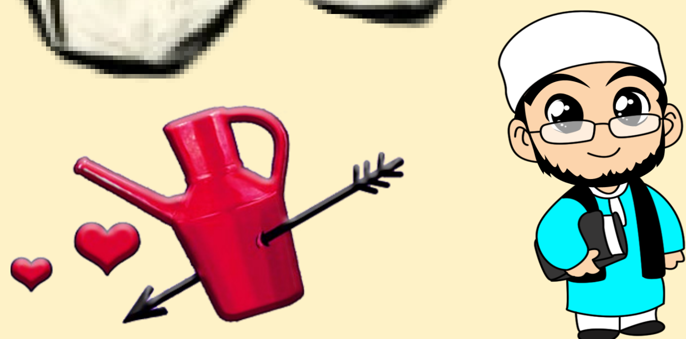
هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد، کارشناس غیره و ذلک



http://mollanasroddin-magazine.ir http://msn-agency.ir

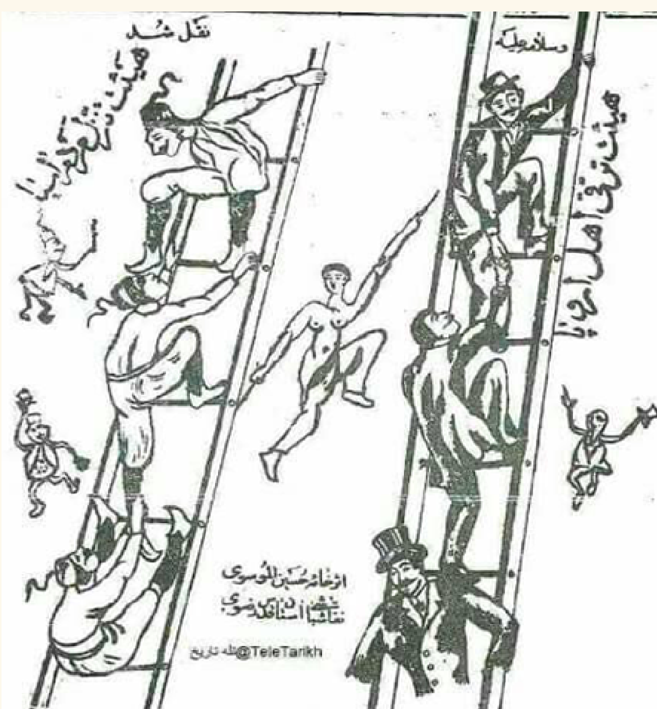
خوشگل الحکایات





بحث با ابله | اشعر الشعرای یخته دل

تاکنون با ابلهان داد سخن را داده‌ای؟
ابلهی پس! ابلهی اندر میان ابلهان
شده است با ابلهی از عقل و دانش گپ زنی؟
خاک بر سر باید عقلی باشدش پشت زبان؟
رطب و یابس را نمی‌بینی چگونه می‌تند؟
بز از او بهتر شناسد، فرق گاو و مادیان
چون سخن می‌گویی، گویی این پسر کور و کر است
باید اول گوش باشد تا نیوشد حرفتان؟
در تمام عمر شاید دو کتابی خوانده است
آن هم از نوع تورق، رسم و راه خستگان
دو کتابی کم ورق، با دیدگانی بی‌رمق
می‌گریزد از خرد، گویی گریزد از سگان
آن نگاهش دیده‌ای خرج «سفیهان» می‌کند؟
آن چنان که عالمی باشد میان انس و جان
ابلهان را تو به حال خود رها کن ای عمو!
ابله است او، این بود فرجام عمرش در جهان



قدیمی‌ترین کارتون سیاسی تاریخ ایران:

اولین کاریکاتور ایران در سال ۱۹۰۳م متولد شد که برای اولین بار روزنامه ادب، چاپ مشهد آنرا منتشر کرد این کاریکاتور را«حسین الموسوی، نقاشباشی آستان قدس رضوی » کشیده است. کتاب تاریخ انحطاط مجلس در این مورد می نویسد:

«این نخستین کاریکاتور تاریخ مطبوعات ایران است که در"چهاردهم‌شوال ۱۳۲۰ق/چهاردهم‌ژانویهٔ۱۹۰۳"درصفحهٔ ۲،شمارهٔ ۵ روزنامهٔ ادب به مدیریت میرزا صادق خان ادیب الممالک در شهر مشهد مقدس چاپ شده که «هیئت ترقی اهل اروپا» را با « هیئت تنزل مردم آسیا» مقایسه می‌کند و اثر خامهٔ حسین الموسوی، نقاشباشی آستان قدس رضوی» است(تاریخ انحطاط مجلس...ص۱۲).در این کاریکاتور که به رقابت و پیشرفت اروپاییان و مقایسه آن با ایرانیان یا مردم آسیا در آن زمان میپردازد هر چند نزدیک به ۱۲۰سال از آن زمان می گذرد اما گویی درد همچنان تازه است!

البته به نوشته برخی منابع دیگر این روزنامه بخاطر کاریکاتورهایش در بین ایرانیان که اولین بار با کاریکاتور مواجه می‌شدند مورد استقبال واقع شده بود(بنگرید به:تاریخ اجتماعی ایران...بحث۲ج۸ ص۱۶۹).

MollaNasroddin Satire Magazine 31

